

## Quranic foundations of the necessity of resistance in Persian poems

Sayed hosin formibaf<sup>۱</sup>. Kamal khaje pour<sup>۲</sup>. Aboalghasem asi moznab<sup>۳</sup>

### Abstract

Resistance is one of the natural things that its necessity has been beautifully discussed in Persian poetry and the principles of this necessity have been emphasized in the verses of the Qur'an. God Almighty, on the one hand, forbids Muslims from compromising and surrendering to their opponents, and on the other hand, emphasizes the need for patience and perseverance in the face of enemies. The Qur'an and Islamic traditions consider the cost of compromise and surrender to the enemies to be much heavier than resistance and perseverance. Islam is a religion of moderation and resistance and stability against the factors that upset the balance of society - both internally and externally. In Persian poetry, resistance is considered necessary both for its current goodness and for having divine goals and social effects. These matters are among the intellectual foundations and ideas of resistance which are clearly explained and detailed in the Qur'an. The present article deals with the descriptive and analytical method of the Quranic principles of the necessity of resistance that have been raised in Persian poems. The results show the need for resistance in Persian poetry in various aspects of the current goodness such as purposefulness, holiness and .... and having divine goals such as preventing false domination, the dignity of the religion of God and ... and social effects such as community pride, the spread of justice Nourishes.

**Keywords:** Quranic principles, the necessity of resistance, Persian poems, Hassan Fali

---

<sup>۱</sup>Ph.D. student, Department of Quran and Hadith sciences , Yazd Branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran.

<sup>۲</sup>Assistant professor, Department of Quran and Hadith sciences , Yazd Branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran. (corresponding author).kamalkhajepour@yahoo.com

<sup>۳</sup>Assistant professor, Department of Quran and Hadith sciences , Yazd Branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran.

## references

۱. The Holy Quran
۲. Nahjul Balagha
۳. Azarnoosh, Azartash, (۲۰۰۵), Contemporary Arabic-Persian Culture. Tehran: Ney Publisher.
۴. Ibn Manzoor, (۱۴۱۲), Arabic Language, Tehran: University of Tehran.
۵. Aminpour Qaisar, (۱۹۹۳), in Aftab Alley, Tehran: Razi Publications.
۶. Iraj Mirza, ۲۰۰۸, Poetry Divan, Tehran: Andisheh Publishing.
۷. Jalal al-Din al-Suyuti, Abd al-Rahman ibn Abi Bakr (۱۴۳۲ AH), Al-Dar Al-Manthur Fi Tafsir Bal-Mathur, Beirut, Dar al-Fikr.
۸. Javid, (۲۰۰۰), Contemporary Human Rights, Tehran: University of Tehran.
۹. Imam Khomeini, Ruhollah, (۱۹۸۱), Tahrir al-Waseela, Tehran: Imam Publishing Institute.
۱۰. Imam Khomeini, Ruhollah, (۲۰۰۳), Sahifa Noor, Tehran: Imam Works Publishing Institute.
۱۱. Dehkhoda, Ali Akbar (۱۳۷۳ AH), Dehkhoda Dictionary, Tehran, Rozaneh.
۱۲. Dashti, Mohammad (۱۳۷۲), Introduction to Nahj al-Balaghah. Qom: Amir al-Mo'menin Research Institute Publishing.
۱۳. Razi, Muhammad ibn Abi Bakr (۱۴۱۵ AH), Mukhtar Al-Sahah, Beirut: Dar al-Kitab al-Alamiya.
۱۴. Rostami Kia, Abbas Ali (۲۰۱۰), Theoretical Foundations of Sacred Defense in the Holy Quran. Journal of Sustainability Literature, No. ۲, Faculty of Literature and Humanities. Kerman: Number ۲, Page ۴۷ University of Kerman.
۱۵. Ragheb Isfahani, Hussein Ibn Mohammad, (۱۴۱۶ AH / ۱۹۹۶ AD), Vocabulary of Quranic words, research: Safwan Adnan Davoodi, Damascus: Dar al-Qalam: Beirut: Al-Dar al-Shamiya.

۱۶. Zamani Mahjoub, Habib and others (۲۰۱۵). A historical analysis of the history of the enduring nations. Qom: Imam Sadegh Research Institute of Islamic Sciences Publications (PBUH).
۱۷. Rouhani Mohammad, (۲۰۰۵), Manqi Al-Osul Volume ۵, Tehran: Sadra Publications.
۱۸. Rashid Reza, Muhammad (۱۹۹۰), Tafsir al-Quran al-Hakim (Tafsir al-Manar), Egypt: Al-Hayat al-Masriya al-Ama for the book.
۱۹. Zanjani, Amid, (۱۳۶۹), Political Jurisprudence, Mashhad: Astan Quds Razavi.
۲۰. Siouti, Jalal al-Din, (۱۴۱۵), Adrar al-Manthur, Beirut: Dar al-Kitab al-Almiya.
۲۱. Saadi, Sheikh Moslehuddin, (۱۹۹۷). Park. Place of publication: side.
۲۲. Shaltout, Muhammad, (۱۴۱۲), Tafsir Quran. Beirut: Dar al-Fikr
۲۳. Sadr al-Din Shirazi (Mulla Sadra), Muhammad ibn Ibrahim (۱۳۶۶ AH), Tafsir al-Quran al-Karim. Qom: Awake Publishing
۲۴. Tabatabai, Mohammad Hussein, (۱۴۱۷ AH), Al-Mizan Fi Tafsir Al-Quran. Qom: Islamic Publications Office of Qom Seminary Teachers Association.
۲۵. Tabarsi, Fadl Ibn Hassan, (۱۳۷۲ AH), Majma 'al-Bayyan fi Tafsir al-Quran. Tehran: Naser Khosrow.
۲۶. Tusi, Muhammad ibn Hassan (۱۴۰۹ AH), Al-Tibyan Fi Tafsir Al-Quran. Qom: Islamic Media School.
۲۷. Abdu, Sheikh Mohammad, (۱۴۱۲), Tafsir al-Manar, Qom: Dar al-Hijra.
۲۸. Ferdowsi, Abolghasem, (۲۰۰۵), Shahnameh, Tehran: Samat.
۲۹. Fakhruddin Al-Razi, Muhammad (۱۴۲۰ AH), The Keys of the Unseen: Tafsir Al-Kabir, Beirut, Dar Al-Ihyaa Al-Tarath Al-Arabi.
۳۰. Qureshi, Seyyed Ali Akbar (۱۳۷۱); Dictionary of the Century, place of publication: Islamic Library

۳۱. Makarem Shirazi, Nasser (۱۳۷۹), Proverbs in the interpretation of the book of God Almighty. Qom: Imam Ali Ibn Abi Talib (AS) School.
۳۲. Mir Hosseini, Seyed Mohammad (۲۰۱۱), Endurance and Sustainability in the Quran, Quarterly Journal of Sustainability Literature, second year, fourth issue.
۳۳. Mohammadi Riheshahri, Mohammad, (۲۰۰۵), Selected Wisdom, translated by Mohammad Reza Sheikhi. Place of publication: Dar Al-Hadith Publishing Institute,
۳۴. Majlisi, Mohammad Baqir (۱۱۱۰), Baharalanwar. Qom: East.
۳۵. Mardani, Nasrollah (۲۰۰۳), The Flower Garden of Familiarity. Tehran: Jahd.
۳۶. Mousavi Nasab, Seyed Jafar (۱۳۸۵), Infection and testing of human beings in the Quran. Place of publication: Valuable.
۳۷. Rumi Jalaluddin Mohammad (۱۳۷۴), Masnavi Manavi. Tehran: Samat.
۳۸. Meshkini, Ali (۲۰۰۵), Terms of Jurisprudence. Qom: Al-Hadi Publications.
۳۹. Molla Sadra (۱۴۱۱), Tafsir of the Holy Quran, place of publication: Maghrib.
۴۰. Nowruzi Khiabani, Mehdi (۲۰۰۸), Comprehensive Dictionary of Political Words and Terms (Persian-English). Tehran: Ney Publishing.
۴۱. Heravi, Muhammad al-Amin (۱۴۲۱ AH), Tafsir Hedayek al-Ruh wa al-Rihan. Beirut: Dar Togh Al-Najat

## مبانی قرآنی ضرورت مقاومت در اشعار فارسی

سید حسین فرمی باف<sup>۱</sup>، کمال خواجه پور<sup>۲</sup>، ابوالقاسم عاصی مذنب<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۲/۲۲، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۶/۳۰

صص ( ۲۶۱ - ۲۲۵ )

### چکیده

مقاومت از جمله امور فطری است که در اشعار فارسی ضرورت آن، به زیبایی تمام مطرح شده و در آیات قرآن مبانی این ضرورت مورد تأکید قرار گرفته است. خداوند متعال از یک سو مسلمانان را از سازش و تسلیم شدن در برابر معاندین نهی می‌کند و از دیگر سو به لزوم صبر و استقامت در برابر دشمنان تأکید دارد. قرآن و روایات اسلامی هزینه سازش و تسلیم در برابر دشمنان را بسیار سنگین‌تر از مقاومت و پایداری می‌دانند. اسلام دین اعتدال است و مقاومت و پایداری در برابر عواملی است که توازن جامعه را - چه در بعد داخلی و چه در بعد خارجی - بر هم می‌زنند. در اشعار فارسی مقاومت هم از جهت حسن فعلی و هم از جهت داشتن اهداف الهی و آثار اجتماعی لازم دانسته شده است. این امور از جمله مبانی فکری و اندیشه‌ای مقاومت هستند که در قرآن به وضوح مورد تبیین و تفصیل قرار گرفته‌اند. مقاله حاضر با روش توصیفی و تحلیلی به مبانی قرآنی ضرورت مقاومت که در اشعار فارسی مطرح شده است، پرداخته است. نتایج حاصله نشان می‌دهد، ضرورت مقاومت در اشعار فارسی از جهات مختلف حسن فعلی نظیر هدفمندی، قداست و داشتن اهداف الهی نظیر جلوگیری از تسلط باطل، عزتمندی دین خدا و آثار اجتماعی همچون سربلندی جامعه، گسترش عدالت تغذیه می‌کند.

**واژگان کلیدی:** مبانی قرآنی، ضرورت مقاومت، اشعار فارسی، حسن فعلی، اهداف.

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران.

<sup>۲</sup> استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران. (نویسنده مسئول) kamalkhajepour@yahoo.com

<sup>۳</sup> استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران.

ادبیات مقاومت با جنگ متولد می‌شود اما با پایداری و مقاومت جاودانه می‌شود. در تعریف شعر مقاومت باید گفت: گونه‌ای معناگرا از شعر است که با تکیه بر مؤلفه‌های بیداری، دردمندی، فریادگری، ستیز با تمام ناراستی‌ها و عشق‌ورزی به تمام ارزش‌های والای انسانی بروز و ظهور می‌یابد. شعر مقاومت، شعری معنادار و بی‌مرز است که خوی فریادگری و فریادرسی را با هم دارد. اما صبغه اسلامی، این‌گونه شعر را رنگ قدسی و الهی می‌زند، گرچه برخی معتقد به محدود شدن آن هستند. اما اسلام به دلیل برخورداری از جامع فضایل انسانی، قدسی و ربوبی، شعر مقاومت را از جنبه‌ی اومانستی بیرون می‌آورد و به الوهیت نزدیک می‌گرداند و الزام و تعهد نسبت به انسان را به عنوان خلیفه‌الله پاس می‌دارد. شعر مقاومت محدود به تاریخ و جغرافیای خاصی نیست، در حقیقت خدامحوری و انسان‌مداری آن را از این دو مرز فراتر می‌برد. مقاومت نقطه مقابل ظلم و بیدادگری است، جلوه‌های بصری و ساختاری ادبیات مقاومت، به درج آیات و احادیث و بررسی آن‌ها در دیدگاه شاعران می‌پردازد.

#### ۱-۱- اهمیت و ضرورت

قراردادن عنوان شعر جنگ در کنار دفاع و مقاومت چندان زیننده نیست، زیرا جنگ واژه مقدسی نیست و از خود ردّپایی از خون، ویرانی و نابودی بر جای می‌گذارد. جنگ واژه نفرت‌آوری است و شعر جنگ، شعر خونریزی، تخریب، خون و خاکستر است. در مقابل دفاع مقدس ترکیبی پاک، قابل ستایش و برگرفته از تعالیم نورانی عترت اهل بیت و یادآور این جمله زیبای امام سجاد (ع) «ما رایت الا جمیلاً» است (الارشاد سید ابن طاووس). شعر پایداری در دوران مقاومت هشت‌ساله کشورمان در مقابل ظالمان دنیا تا حدودی نقش خود را ایفا کرد؛ یعنی نسلی در مقابل تهاجم دشمن ایستاد و از کیان، هویت، گذشته، حال و حتی آینده خویش دفاع کرد و نشان داد که دفاع همواره مقدس است.

یکی از مواردی که در اسلام بسیار درباره آن صحبت شده است، بحث جهاد و ضرورت آن است. مولا علی (ع) جهاد را دری از درهای بهشت می‌داند که فقط به روی بندگان خاص باز می‌شود. در توصیف جهاد آن حضرت می‌فرماید: «لباس تقوی، زره محکم و سپر مطلق است» بنابراین جهاد برای حفظ جامعه اسلامی یک ضرورت است.

## ۲-۱- بیان مسئله

جنگ به خودی خود تقدسی ندارد، ولی دفاع را باید تمام و کمال مقدس دانست. در نتیجه شعری که از دل این دفاع بر می آید به ناچار راهی جز تقدیس این دفاع ندارد و انتقاد از این دفاع منطقاً پسندیده نیست. اصطلاح «شعر مقاومت» یک اصطلاح بزرگ تر و یک مفهوم جهان شمول تر است. شعر مقاومت شعری است که پایداری در برابر زور و تجاوز را در همه‌ی مکان‌ها و همه‌ی زمان‌ها تقدیس می‌کند. طبیعی است که اشتراک این دو شعر یعنی شعر دفاع مقدس و مقاومت در تقدیس دفاع در برابر تجاوز و ستمگری است. چه این ستمگری از نوع نظامی باشد و چه فرهنگی، سیاسی یا مثلاً اقتصادی. شاید زمانی فرا برسد که شعر دفاع مقدس فراموش شود، ولی شعر مقاومت یک واقعیت همیشگی است.

از آنجا که مقاومت و پایداری جزء تفکیک‌ناپذیر فطرت و سرشت انسانی و به تبع آن جزء جدایی‌ناپذیر ملت‌ها و جوامع بشری است می‌توان این مقوله را دارای بیشترین وجوه اشتراک ملت‌ها با یکدیگر دانست.

امروز می‌توانیم به راحتی عنوان کنیم که در ادبیات مقاومت مرزهای جغرافیایی فروشکسته است و ما نیز باید در این میان از طریق استفاده از اشتراکات دینی و جایگزین کردن آن به جای افتراق‌های قومی به نوعی وحدت رویه دست پیدا کنیم. شعر مقاومت با وجود تمامی تغییرات موجود در گفتمان‌های حاکم بر خود نبایست از آرمان‌گرایی فاصله بگیرد. ظلم‌ستیزی جوهره وجودی شعر مقاومت است و باید در تمام زوایای آن دیده شود. مقاومت یک ضرورت است هم بر اساس عقلانیت و هم از نگاه دینی. آموزه‌های دینی ما حکایت از ظلم‌ستیزی دارد و این سیره ارزشمند در نگاه شاعران هم بروز و ظهور یافته است.

## ۳-۱- پیشینه تحقیق

پژوهش‌های متعددی در زمینه ادبیات مقاومت صورت گرفته است که به چند نمونه آن اشاره می‌شود:

- مقاله‌ای با عنوان مبانی نظری دفاع مقدس در قرآن کریم نوشته عباس رستمی‌کیا که در نشریه ادبیات پایداری دانشگاه کرمان به چاپ رسیده است.

- مقاله‌ای دیگر با عنوان بن‌مایه‌های ادبیات مقاومت در قرآن کریم که توسط سید فضل‌الله میر قادری در نشریه ادبیات پایداری دانشگاه کرمان به چاپ رسیده است. واکاوی نموده‌های مقاومت

و وطن‌خواهی در شعر عارف قزوینی و محمود درویش که رحمان نوزانی در همایش ملی ادبیات مقاومت ارائه کرده است؛

- بررسی تطبیقی مفاهیم مقاومت و پایداری در اشعار فدوی طوفان و طاهره صفارزاده که آقای عبدالاحد عینی آن را نوشته و در نشریه ادبیات پایداری به چاپ رسیده است؛ مقاومت در قرآن نگاشته شده توسط سلمان ننگهان و چاپ شده در مجله اندیشه تقرب؛ بررسی و تبیین جایگاه جهاد به عنوان یکی از مبانی دفاع مقدس در قرآن کریم که توسط عباسعلی رستمی نوشته شده و در مجله ادبیات پایداری به چاپ رسیده است.

#### ۴-۱- روش کار و مبانی نظری تحقیق

در این پژوهش سعی بر این است که به بحث ضرورت ایستادگی و مقاومت در برابر ظلم و ستم مورد بررسی و کنکاش قرار گیرد و تا حد امکان شواهد قرآنی با نمونه‌های ادبی تطبیق داده شود.

همه ادیان الهی با شالوده‌ای محکم بنیان نهاده شده‌اند اما اسلام کامل‌ترین دین است؛ قرآن کریم به عنوان معجزه جاوید و حجت اصلی در اسلام، خود را این گونه معرفی می‌کند:

إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ (اسراء: ۹)؛ «این قرآن، به راهی که استوارترین راه‌هاست، هدایت می‌کند» (انصاریان، ۱۳۹۱: ۲۸۳)

وقتی راهی محکم باشد انسان‌ها نیز با ایمان به آن راه، به سبک همان راه تربیت شده، استقامت و محکم‌بودن را به تاسی از قرآن ادامه می‌دهند و تمرین مقاومت می‌کنند. یکی از استدلال‌ها بر مقاومت درونی دین اسلام جاودانه بودن قرآن و نیز خاتمیت این دین است. به این معنا که از خاتمیت و جاودانگی اسلام و قرآن کریم می‌توان دریافت که این دین به همراه کتاب خود نه تنها جوابگوی دشواری‌ها و حملات دشمنان زمان نزول خود است بلکه در مقابل انواع انحرافات و مشکلات و نیز فشارهای گوناگون معاندین تا ابد مقاوم و جوابگو خواهد بود برای همین؛ قرآن کریم دعوت به مبارزه می‌کند و می‌فرماید:

قُلْ لَئِنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَا كُنَّا بِعَعْضِهِمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا (اسراء: ۸۸)؛ «بگو: اگر انسان‌ها و پریان (جن و انس) اتفاق کنند که همانند این قرآن را بیاورند، همانند آن را نخواهند آورد هر چند یکدیگر را (در این کار) کمک کنند» (انصاریان، ۱۳۹۱: ۲۹۱)



قرآن کریم برای نهادینه کردن فرهنگ مقاومت مسلمانان می‌فرماید:

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَ أُبَشِّرُوا بِالْجَنَّةِ  
الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ (فصلت: ۳۰)؛ «به یقین کسانی که گفتند: پروردگار ما خداوند یگانه است سپس  
استقامت کردند، فرشتگان بر آنان نازل می‌شوند که نترسید و غمگین مباشید و بشارت باد بر شما  
به آن بهشتی که وعده داده شده‌اید» (انصاریان، ۱۳۹۱: ۴۸۰)

اثر دنیایی مقاومت این است که: «مقاومت در راه حق، هم خوف از آینده را برطرف می‌کند (أَلَّا  
تَخَافُوا) و هم حزن و اندوه نسبت به گذشته را (لا تَحْزَنُوا)». مهم‌ترین بشارت دین در دنیا، رسیدن  
به بالاترین آرامش است آرامشی که هم گذشته و هم آینده انسان را در بر می‌گیرد. (طباطبائی،  
۲۴۶)

نکته مهم در اینجا عمل به وعده‌هاست که قرآن کریم نیز به عنوان یک معجزه بر این مطلب  
تأکید داشته و می‌فرماید:

رَبَّنَا إِنَّكَ جَامِعُ النَّاسِ لِيَوْمٍ لَا رَيْبَ فِيهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ (آل‌عمران: ۹)؛ «پروردگارا! تو  
مردم را، برای روزی که تردیدی در آن نیست، جمع خواهی کرد زیرا خداوند، از وعده خود،  
تخلف نمی‌کند» (انصاریان، ۱۳۹۱: ۵۰)

اکنون این سؤال پیش می‌آید که: اگر چنین وعده‌هایی حقیقت دارد پس چرا بیشتر مردم به  
آن‌ها ایمان ندارند؟ آن‌گاه ریشه این عدم ایمان را باید در نوعی جهل جستجو کرد چرا که فرمود:  
وَعَدَّ اللَّهُ لَا يُخْلِفُ اللَّهُ وَعَدَّةً وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (روم: ۶)؛ «این وعده‌ای است که  
خدا کرده و خداوند هرگز از وعده‌اش تخلف نمی‌کند ولی بیشتر مردم نمی‌دانند!» (انصاریان،  
۱۳۹۱: ۴۰۵)

یعنی بیشتر مردم به شؤن خدای تعالی جاهلند و به وعده او اطمینان ندارند، او را چون امثال  
خود می‌پندارند که هم راست می‌گویند و هم دروغ، هم وعده می‌دهند و هم خلف وعده می‌کنند.  
باید فهمید که هیچ خیری به دست نمی‌آید مگر در سایه مقاومت و صبر بر مشکلات و تقابل با  
دشمنان خدا. خداوند متعال نیز وعده پیروزی نهایی را داده است که:

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ (صف:  
۹)؛ «او کسی است که رسول خود را با هدایت و دین حق فرستاد تا او را بر همه ادیان غالب  
سازد، هر چند مشرکان کراهت داشته باشند!» (انصاریان، ۱۳۹۱: ۵۵۲)

این وعده الهی البته نیاز به استقامتی حقیقی دارد. قرآن کریم می‌فرماید:

إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ (رعد: ۱۱)؛ «خداوند سرنوشت هیچ قوم (و ملتی) را تغییر نمی‌دهد مگر آن‌که آنان آنچه را در خودشان است تغییر دهند!». (انصاریان، ۱۳۹۱: ۲۵۰)

## ۲- ضرورت مقاومت

دفاع از خود در برابر دشمن امری فطری و غریزی است و ریشه در ذات و طبیعت انسان دارد، از دیرباز در دین مقدس اسلام، دفاع در برابر دشمن، امری پسندیده بوده و در منابع فقهی نیز دفاع، واجب یا جایز است. همانطور که ذکر شد، تحقق دفاع مستلزم وجود دو عنصر اساسی، یعنی حمله و دفاع است که هرکدام از این‌ها شرایطی دارند. تجاوزی مستوجب حق دفاع است که غیر مشروع و غیرقانونی باشد. از دیگر شرایط حمله، این است که خطر باید فعلی و قریب‌الوقوع بوده و نیز به‌گونه‌ای باشد که به هیچ طریق دیگری، قابل دفع نباشد.

### دفاع مشروع از دیدگاه حقوق اسلامی

همانطور که می‌دانیم اصول و احکام حقوقی دین مبین اسلام در زمینه جلوگیری از تجاوز و دفاع از حق و اجرای عدالت بر پایه‌ی دو قاعده مشهور و محکم حقوقی اسلام استوار است که عبارت‌اند از: قاعده «لا ضرر» یعنی «لا ضَرَرَ وَلَا ضِرَارَ فِي الْإِسْلَامِ» و قاعده تسلیط (یعنی عدم جواز تسلط بیگانگان بر مسلمین) «روحانی، ۴۶»

بسیاری از احکام حقوقی دین اسلام بر اساس این دو قاعده‌ی فقهی وضع و تدوین شده‌اند و به طور کلی فلسفه امتناع از اضرار به غیر و احترام به حقوق افراد که در دو اصل «لا ضرر و لا تسلیط» گنجانیده شده چنین اقتضاء می‌کند همه افراد از تجاوز به حقوق دیگران خودداری کنند. مشاهیر فقها و صاحب‌نظران اسلامی، در رابطه با دفاع از کیان اسلامی، در تحلیل دفاع فردی و جواز آن در اسلام، با استشهاد به برخی آیات قرآن کریم و احادیث و روایات منقول از پیامبر (ص) و ائمه طاهرین (ع)، دفاع از نفس و مال و ناموس را با رعایت شرایطی جایز دانسته و به عنوان یک حق استثنائی معرفی کرده‌اند.

حق دفاع و مقاومت در برابر تجاوز در نگاه شاعران نیز مشهود است:

قیصر امین پور از شاعران معاصر در باب ضرورت دفاع در برابر دشمن این‌گونه می‌سراید:

ای خصم مرا سر، سر جنگ است هنوز	در چله‌ی خشم من خدنگ است هنوز
در ترکش اگر نمانده باشد تیری	زنهار، مرا ناخن و چنگ است هنوز
میدان به سپاه خصم تنگ است هنوز	از خون شهید لاله رنگ است هنوز

شمشیر مکن غلاف جز در تن خصم از دست منه سپر که جنگ است هنوز  
(امین پور، ۱۳۷۲: ۵۹)

دعوت به مبارزه و قیام علیه تجاوزگران در آیات و روایات متعددی بیان شده است در این بین نگاه ادیبان نیز به این مقوله قابل تأمل است.

در سروده‌هایی که دعوت به ظلم‌ستیزی است، واژه‌ها و عباراتی که با فعل امر و حالت خطاب‌ی و ندا بیان می‌شوند، در القا و تثبیت مفاهیم و درون‌مایه‌ی شعر تأثیر ژرف و تعیین‌کننده دارند:

برخیز و بخوان سرود پیروزی خون      هنگام بهار و فصل نوروزی خون  
با رویش لاله‌های خونین بنگر      بر دامن سبز دشت گلدوزی خون  
(همان، ۶۲)

یا در جایی دیگر آمده است:

ای باد، مباد بر صف ما بوزی      تا در نظر خصم بلرزد پرچم!

(همان، ۶۴)

سروده‌های زیر نیز با دعوت به قیام، مبارزه، مقاومت و ایثار آراسته شده است:

از گوشه‌ی چشم یک نظر اندازیم      در خرمن دشمنان شرر اندازیم  
یا خصم خود از دست سپر اندازد      یا ما ز تنش، دست و سپر اندازیم  
(همان، ۶۲)

جنگ است بیا که جان‌فشانی بکنیم      کاری چو حماسه جاودانی بکنیم  
آن سان به تن دشمن خود زخم زنیم      کز روزن زخم دیدبانی بکنیم  
(همان، ۶۳)

امین پور همچنین در «شعری برای جنگ» بعد از آنکه تصویرهای واقعی از صحنه‌های جنگ و ویرانی حاصل از آن را با خیال شعری‌اش می‌پروراند، این‌گونه به مبارزه و جهاد دعوت می‌کند:

باری ما درد جنگ را/ در تنگنای قافیه حس کردیم/ دیگر ردیف و قافیه کافی است/ باید به جنگ رفت/ با هر سلاح و حربه که پیش آید/ با نیزه با قلم/ با هیچ با عدم!/ باید به جنگ رفت... (همان، ۴۴)

### ۳- ضرورت مقاومت با توجه به حسن فعلی آن

حسن فعلی؛ یعنی اینکه کار، خوب و پسندیده و مورد تأیید الهی باشد. مقاومت در برابر پدیده‌هایی که هنجارهای ارزشی جامعه را خدشه‌دار می‌کند، یک اقدام خداپسندانه و عقل محور است. طبیعت انسان ظلم را بر نمی‌تابد و با اصل فطرت سازگار نیست، لذا مقاومت از منظر حسن فعلی حکم می‌کند که در برابر بی‌عدالتی‌ها و کج‌روی‌های افرادی که تعادل جامعه را بر هم می‌زنند، ایستادگی کند.

هر کدام از ما وظیفه داریم که هم خودمان با عدالت رفتار کنیم و بدون خودخواهی سعی در رعایت حق دیگران، تلاش برای به دست آوردن حق خود و به طور کلی حفظ اعتدال داشته باشیم و هم از مسئولان و افراد قدرتمند، خواستار رعایت عدالت و تعادل باشیم. زمانی که چشم‌هایمان را به روی بی‌عدالتی‌ها ببندیم، نتیجه و آثار منفی آن بدون شک به خود ما باز خواهد گشت.

سهراب سپهری می‌گوید: «یاد من باشد کاری نکنم که به قانون زمین بر بخورد.»  
و اینک ما می‌دانیم قانون زمین، همان «تعادل» است که باید در حفظ آن بکوشیم. (سپهری، ۱۳۴۶: ۴۶)

رودکی از بزرگان زبان فارسی درباره ضرورت تعادل در جامعه چنین می‌گوید:

چون تیغ به دست آری مردم نتوان کشت	نزدیک خداوند بدی نیست فرامشت
این تیغ نه از بهر ستم کاران کردند	انگور نه از بهر نیید است به چرخشت
عیسی به رهی دید یکی کشته فتاده	حیران شد و بگرفت به دندان سرانگشت
گفتا که که را کشتی تا کشته شدی زار	تا باز کجا کشته شود آنکه تو را کشت
انگشت مکن رنجه به در کوفتن خویش	تا کس نکند رنجه به در کوفنت مشت

(رودکی، ۱۳۴۹: ۶۸)

### ۳-۱- هدفمندی مقاومت

قرآن کریم در آیات متعدد صراحتاً به مؤمنین دستور داده است که یکپارچه و با تمام قوا در برابر تجاوزگران بایستند. خداوند مشوق کسانی است که در راه مبارزه با ظلم، صف واحدی را تشکیل می‌دهند و یک صدا و هدف‌دار در برابر نیروهای منفی و ضد ارزشی قیام می‌کنند:

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُورٌ (صف: ۴) «بی‌تردید خداوند کسانی را که در صفوفی [منظم] در راه او جهاد می‌کنند آن‌گونه که گویی بنایی پولادین و نفوذناپذیرند دوست دارد» (انصاریان، ۱۳۹۱: ۵۵۱)

برکن ز بن این بنا که باید  
از ریشه بنای ظلم برکند  
(بهار، ۱۳۳۳: ۲۵۰)

آیات الهی تنها راه سعادت و زندگی عزتمندانه را در رویارویی و مقابله با ظلم و جور و تهی ساختن جامعه از ناهنجاری‌های اجتماع می‌داند. امام حسین، سمبل مقاومت در برابر ظالمان تاریخ، در مسیر قربانگاه کربلا چندین بار این جمله را تکرار فرمود:

«إِنِّي لَا أَرَى الْمَوْتَ إِلَّا سَعَادَةً وَلَا الْحَيَاةَ مَعَ الظَّالِمِينَ إِلَّا بَرْمًا»، «من مرگ را جز سعادت و زندگی با ستمگران را جز ذلت و خواری نمی‌بینم» (مجلسی ج. ۷۵، ۱۱۷)  
و یا مولا امیر المومنین در نهج البلاغه می‌فرماید:  
«الْمَوْتُ فِي حَيَاتِكُمْ مَقْهُورِينَ وَالْحَيَاةُ فِي مَوْتِكُمْ قَاهِرِينَ»،  
«مرگ در زندگی شکست خورده شماس است و زندگی در مرگ پیروزمندان شماس» (نهج البلاغه، خطبه ۵۱)

پیروزی معنوی همیشه در نگاه شاعران به طور ملموسی نمایان است:

ظلمت ظلم عدو را نور حق نابود کرد  
آری آری صبح کاذب راست صادق بر اثر  
(ساوجی، ۷۰۹: ۲۱۴)

دشت و دیار از ز ظلم و جور تهی گشت  
ملک بماند همیشه خرم و آباد

(بهار، ۱۳۳۳: ۲۵۲)

لذا قرآن همیشه به استقامت در برابر ظالمان تأکید دارد و سستی در این راه را نمی‌پذیرد. این هدف آن‌قدر نزد خداوند اهمیت دارد که در آیات متعدد به صراحت عنوان شده و راه رسیدن به سعادت اخروی را مقاومت در برابر اعداء عنوان نموده است.

خداوند صراحتاً دستور قتال می‌دهد و مؤمنین را به جهاد در مسیر حق فرا می‌خواند:

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ (انفال: ۶۵)؛ «ای پیامبر! مؤمنان را به جنگ [با دشمن] ترغیب کن! اگر از شما مردم مؤمن بیست نفر شکیبیا باشند بر دویست نفر پیروز می‌شوند و اگر از شما صد نفر [شکیبیا] باشند بر هزار نفر از کافران غلبه می‌کنند؛ زیرا آنان گروهی هستند که [قدرت ایمان و شکیبایی در راه خدا را] نمی‌فهمند». (انصاریان، ۱۳۹۱: ۱۸۵)

و در آیه دیگر:

فَقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا تُكَلَّفُ إِلَّا نَفْسَكَ وَحَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَكْفِ بِأَسْ أَلَّذِينَ كَفَرُوا وَاللَّهُ أَشَدُّ بَأْسًا وَأَشَدُّ تَنْكِيلًا (نساء: ۸۴)؛ «اکنون که بسیاری از مردم به دنبال شایعات بی اساس و دلهره آور، از رفتن به جنگ امتناع می‌کنند [خودت در راه خدا به جنگ برو! تو نسبت به خودت مکلف هستی، مؤمنان را نیز [به جنگ با دشمن] تشویق کن! امید است خداوند آسیب و گزند کافران را [از تو و مؤمنانی که به مسئولیت‌های خود پایبند هستند] باز دارد، خداوند قدرتش شدیدتر و عذابش سخت‌تر است» (انصاریان، ۱۳۹۱: ۹۱)

۳-۲- همیشگی بودن مقاومت

تاریخ نشان داده که در دوره‌های مختلف پیوسته حق و باطل در نزاع بوده و زمانی را نمی‌توان یافت که دو گروه در برابر یکدیگر صف‌آرایی نداشته باشند. امر خداوند مقابله با ظلم و مقاومت در برابر ستمگر در همه دوران است. قرآن می‌فرماید:

وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّىٰ لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنِ انْتَهَوْا فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ (بقره: ۱۹۳)؛ «و با آنان بجنگید تا فتنه ای بر جای نماند و دین [و طاعت] ویژه خدا باشد [و در نتیجه حاکمیت شیاطین نابود گردد]، نهایتاً اگر بازایستند [شما هم به جنگ پایان دهید! و از آن پس] تجاوز و تعدی جز بر ضد ستمکاران روا نیست» (انصاریان، ۱۳۹۱: ۳۰)

از دیدگاه قرآن جهاد و مقاومت در برابر دشمنان دین تا محو کامل فتنه و حاکمیت مستضعفین بر سرنوشت خودشان ادامه دارد:

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَن كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ (نور: ۵۵)؛ «خداوند به کسانی که شما که مؤمنند و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده داده که حتماً آنان را در زمین جانشین [اقوام به هلاکت رسیده] کند، همان‌گونه که پیشینیان آنان را جانشین [دیگران] گردانید و به یقین، دینشان را که برای آنان پسندیده به سودشان استوار و پابرجا کند و حتماً ترس آنان را [از دشمنان] به امنیت تغییر دهد، [این در حالی است که] مرا می پرستند، [و] چیزی را شریک من قرار نمی دهند، آنان که پس از این [نعمت‌های ویژه] ناسپاسی ورزند البته منحرف و نافرمانند» (انصاریان، ۱۳۹۱: ۳۵۷)

مصدق بارز آیه فوق را در نگاه شاعران، این‌گونه می‌بینیم:

برایت در هر رهگذر/ دامی از قهر خود ریخته‌ام در آسمان‌ها/ در چشم‌خانه ابر/ آذرخش‌ها پاس می‌دارند/ در زیر زمین/ در خاک/ خون هم‌زمان/ و در این‌جا/ در برابر ما/ از چه خواهی گریخت؟ (حسینی، ۱۳۷۷: ۱۲۰)

سید علی صالحی از شاعران معاصر در باب مقاومت جاودانه این‌گونه می‌سراید:

از نیزارها/ همچون جن ظاهر می‌شویم/ از بسته‌های پست/ از ایستگاه‌های اتوبوس/ از جعبه‌های سیگار/ از پمپ‌های بنزین/ از سنگ قبرها/ از تکه‌های گچ/ از تخته سیاه/ از موی دختران/ از چوب صلیب‌ها/ وز جامه‌های نماز/ از برگ‌های قرآن

بر شما می‌تازیم/ از لابه‌لای سطرها و آیه‌ها. (صالحی، ۱۳۷۴: ۱۴۸)

مرحوم نصر الله مردانی هم در باب مقاومت پایدار اینگونه می‌سراید:

ما خلق‌های کشور خون و شهادتیم  
تمثیلی از حماسه و ایثار و وحدتیم  
مائیم از نبره هابیل آفتاب  
کاین‌گونه در مقابل قابیل ظلمتیم

(مردانی، ۱۳۸۲: ۱۰۴)

و باز سید علی صالحی در تکمیل سروده‌های خود اشک‌ها را به عنوان سلاح و نابودکننده دشمن معرفی می‌کند:

حتی اشک‌ها/ دگرگونه‌اند/ سلاح‌اند/ ژاله‌های اشک فرو می‌بارند/ آنان فریاد می‌زنند/ نابود باد دشمن.

(صالحی، ۱۳۷۴: ۲۴۷)

### ۳-۳- قداست مقاومت

مجاهدان راه حق و حقیقت، مقاومت در راه خدا و رسیدن به مقصد را یک امر مقدس و پاک می‌دانند و اعتقاد دارند که حرکت در این مسیر یک رویه قدسی است و سالک این راه از انوار قدسیه الهی بهره‌مند می‌شود. بهره‌مندی آثار دنیوی در این راه ملاک نیست و رهرو این طریق بر این باور است که ثمره و پاداش الهی که به سالکان این مسیر تعلق می‌گیرد از وهم و تصور انسان خارج است.

مقاومت در این مسیر به یکی از این دو راه منتهی می‌شود یا اینکه لشکر الهی به پیروزی می‌رسد که این همان هدف و مقصود است و یا اینکه رونده در این مسیر به شهادت می‌رسد که به استناد آیات متعدد قرآن، فوز بزرگ است. از نظر قرآن کشته‌شدگان در راه خداوند زنده و جاوید هستند و نزد پروردگارشان روزی می‌خورند:

وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزُقُونَ (آل عمران: ۱۶۹)  
«هرگز آنان را که در راه خدا کشته شدند مُرده مپندار؛ بلکه زنده‌اند و نزد پروردگارشان متنعم به روزی ویژه‌ای هستند.» (انصاریان، ۱۳۹۱: ۷۲)



مردان خدا پرده پندار دریدند  
یعنی همه جا غیر خدا یار ندیدند  
فریاد که در رهگذر آدم خاکی  
بس دانه فشانند و بسی دام تنیدند  
همت طلب از باطن پیران سحرخیز  
زیرا که یکی را ز دو عالم طلبیدند  
زنهار مزن دست به دامان گروهی  
کز حق بریدند و به باطل گرویدند

(فروغی بسطامی، ۱۳۹۴: ۲۲۶)

و در آیه‌ای دیگر:

وَلَّيْنِ فُتِلْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ مُتُّمْ لَمَغْفِرَةً مِنَ اللَّهِ وَرَحْمَةً خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ (آل عمران: ۱۵۷) «اگر در راه خدا کشته شوید یا بمیرید یقیناً آمرزش و رحمتی که از سوی خداوند نصیب شماست از آنچه آنان [در همه عمرشان از مال و متاع دنیا] جمع می‌کنند بهتر است»

مجاهد در راه خدا با این پشتوانه قدسی هیچ‌گاه اندوه به خود راه نمی‌دهد و محزون نمی‌شود

زیرا افقی روشن و آینده‌ای سرشار از امید در پیش روی خود می‌بیند که با مصالح دنیایی قابل

قیاس نیست

شهادت‌طلبی یکی از ویژگی‌های بارز همه مجاهدان راه خداست و این خصلت در اکثر

رزمندگان ما آشکار بود و همین ویژگی در نگاه شاعران نیز بروز و ظهور دارد. شهید علی‌رضا

فیروزی که ذائقه شعری خوبی داشت در رثای دوستی که تازه او را از دست داده این‌گونه

می‌سراید:

آن شب میان عاشقان شوری دگر بود  
از اتفاقی تازه قلب شب خبر بود  
مرغان عاشق زین قفس پرواز کردند  
پرواز را تا بیکران آغاز کردند  
از دخمه تاریک دنیا پر گرفتند  
راه دیار دوست را از سر گرفتند  
رفتند تا اوج فلک، تا چشمه نور  
رفتند تا سینای عشق و وادی طور  
رفتند آنجایی که کوی آشنایی است  
آنجا که مأوای شهیدان خدایی است  
جایی که جان آرام گیرد نزد جانان  
آنجا که «عند ربهم» فرمود قرآن  
این عاشقان را جز شهادت مرگ ننگ است  
در کامشان بی دوست ماندن چون شرنگ است  
چون عشق را جز عشق تفسیری دگر نیست  
حلاج را جز دار تدبیری دگر نیست

این واژه در قاموس دل با خون قرین است  
تدبیر این یاران عاشق نیز خون است  
پروای جان یعنی اسیر خویش بودن  
پروانگان را هیچ پروایی ز جان نیست  
پروانه کی پروایی از پر سوختن داشت  
این جمع مشتاقی که بیم سر ندارند  
در عشق بازی رشک معنون اند اینان  
این پاک بازان را چه باک از جان سپردن  
با این سبک بالان بی پروا و بی باک  
با این سبک روحان از خود وارهیده  
وارسته‌ای، دل داده‌ای، جان بی‌شکویی  
این عاشق از خویش رسته جعفرم بود  
این زخم کین بر سینه جعفر بود، جعفر  
او سینه‌اش سینه‌ای موسای طلب بود  
شوق شهادت در نگاهش موج می‌زد  
می‌رفت و بر دل داشت شوق بی‌قراری

(فیروزی، ۱۳۷۱: ۷۲)

و نکته جالب اینکه خود او نیز مدتی بعد به دوست شهیدش می‌پیوندد.

### ۳-۴- فطری بودن مقاومت

انسان بالفطره در برابر حوادث عکس‌العمل نشان می‌دهد، پدیده‌های منفی را از خود دور می‌کند و در برابر نامالایمات واکنش مناسب نشان می‌دهد. جامعه دینی هم مقاومت در برابر دشمن را اصلی منطبق بر فطرت انسان می‌شناسد. آدمی بر اساس فطرت، پدیده‌های ضد ارزشی و منفی را طرد می‌کند و گرایش به سوی نیکی‌ها و خوبی‌ها دارد. اینکه قرآن ستمگران را مورد نکوهش قرار می‌دهد، منطبق بر فطرت انسانی است و انسان نیز مسیر ستمگری و ظلم به دیگران را صحیح نمی‌داند. لذا هیچ‌گاه به طور فطری میل به ظلم پیدا نمی‌کند.

سراپا اگر زرد و پژمرده‌ایم	ولی دل به پاییز نسپرده‌ایم
چو گلدان خالی، لب پنجره	پُر از خاطرات ترک‌خورده‌ایم
اگر داغ دل بود، ما دیده‌ایم	اگر خون دل بود، ما خورده‌ایم
اگر دل دلیل است، آورده‌ایم	اگر داغ شرط است، ما برده‌ایم
اگر دشمنی دشمنان، گردنیم!	اگر خنجر دوستان، گرده‌ایم!
گواهی بخواهید، اینک گواه:	همین زخم‌هایی که نشمرده‌ایم!
دلی سربلند و سری سر به زیر	از این دست عمری به سر برده‌ایم

(امین پور، ۱۳۷۲: ۱۴۹)

البته علت اینکه چرا با فطری بودن ظلم‌ستیزی، عده‌ای راه دیگری را در پیش می‌گیرند و از کنار این پدیده‌ی مهم می‌گذرند، این است که گاهی هوای نفسانی و امیال دنیایی بر انسان غالب می‌شود و ضعف و ناتوانی، قدرت مقاومت را از او می‌گیرد و لذا مقاومت را کنار گذاشته و راه تسلیم در برابر وسوسه‌ها و گرایش‌های دنیایی را بر می‌گزیند؛ و اینجاست که تنها انسان‌های وارسته می‌توانند در برابر تمایلات نفسانی مقاومت کنند، قرآن پیوسته مؤمنان را از گرایش به ظالمان منع کرده است:

وَلَا تَرْكُؤْا اِلَى الَّذِيْنَ ظَلَمُوْا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ مِنْ اَوْلِيَاءٍ ثُمَّ لَا تُنصِرُوْنَ (هود: ۱۱۳)، «و به ستمکاران میل [قلبی و عملی] نداشته باشید! که آتش [دوزخ] به شما خواهد رسید و [در آن حال] شما را در برابر خداوند هیچ سرپرستی [برای نجاتشان] نخواهد بود و یاری هم نمی‌شوید» (انصاریان، ۱۳۹۱: ۲۳۴)

۴- ضرورت مقاومت با توجه به اهداف الهی

هدف بعثت انبیا، برپایی حکومت الهی است، در این حکومت خواسته‌ها و مصالح فردی و گروهی حکم نمی‌کند بلکه آنچه حکومت می‌کند، امر و نهی و قوانین الهی است. به طور کلی ضرورت مقاومت را از نظر قرآن و روایات می‌توان در موارد زیر بر شمرد:

۴- ۱- جلوگیری از تسلط باطل بر حق

همه انبیا الهی در این پیام‌رسانی وحدت نظر دارند که تسلط بیگانگان بر پیروان مکاتب خدایی پذیرفته نیست. قرآن در آیات متعدد به این نکته اشاره دارد؛ برای نمونه آیه:

وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا (نساء: ۱۴۱)؛ «خدا هرگز هیچ راه سلطه‌ای به سود کافران بر ضد مومنان قرار نداده است» (انصاریان، ۱۳۹۱: ۱۰۱) ناظر بر این مطلب است که در سنت الهی برای کفار هیچ تسلطی بر مؤمنین قرار نداده نشده است.

کلمه «سبیل» در آیه مذکور به اصطلاح از قبیل «نکره در سیاق نفی» است و معنی عموم را می‌رساند. از آیه استفاده می‌شود که کافران نه تنها از نظر منطقی، بلکه از نظر نظامی و سیاسی و

فرهنگی و اقتصادی و خلاصه از هیچ نظر بر افراد با ایمان، چیره نخواهند شد؛ و اگر پیروزی

آنها بر مسلمانان را در میدان‌های مختلف با چشم خود می‌بینیم به خاطر آن است که بسیاری از

مسلمانان، مؤمنان واقعی نیستند و راه و رسم ایمان، وظائف، مسئولیت‌ها و رسالت‌های خویش را

به کلی فراموش کرده‌اند، نه خبری از اتحاد و اخوت اسلامی در میان آنان است و نه جهاد را به

معنی واقعی کلمه انجام می‌دهند. در حقیقت آیه بیانگر این واقعیت است که مشیت الهی نیست که

مؤمنین و مسلمانان، تحت سلطه کفار باشند، اما اگر در مرحله عمل، مسلمانان در انجام تکالیف و

وظایف خویش کوتاهی کنند و با سوء رفتار خویش، زمینه تسلط کفار را بر خویش فراهم آورند،

سلطه دشمنان دین، ناشی از سستی و کوتاهی در مقابله با دشمنان، بازتاب آن است. همان‌گونه که

خداوند متعال عزت را از آن خدا و پیامبر اکرم و مؤمنان دانسته می‌فرماید:

وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ (منافقون: ۸)؛ «عزت مخصوص و خاص خدا و رسول و مؤمنین است» (ری شهری، ۱۳۷۷: ۲۴۲)

مولوی اقتدار مؤمنین در برابر فرعون را از زبان خدا این گونه بیان می کند:

چون کنم کاین خلق را تمییز نیست	گفت موسی سحر هم حیران کنی است
عقل بی تمییز را بینا کنم	گفت حق، تمییز را پیدا کنم
موسیا تو غالب آیی لا تخف	گرچه چون دریا برآوردند کف
چون عصا شد مار آن ها گشت عار	بود اندر عهده خود سحر افتخار
هر دو را از بام بود افتاد طشت	سحر رفت و معجزه ی موسی گذشت
بانگ طشت دین به جز رفعت چه ماند	بانگ طشت سحر جز لعنت چه ماند
در صف آ ای قلب و اکنون لاف زن	چون محک پنهان شد است از مرد و زن

(مولوی، ۱۳۷۴: ۴۴۵)

مولانا با استناد به آیه های ۶۷ و ۶۸ سوره طه، می گوید: دل موسی در برابر ساحران فرعون از بیم لرزید، به او گفتیم: نترس که تو بر آن ها چیره خواهی شد. حق تعالی به موسی فرمود: من قوه تمییز و تشخیص را در مردم پدید می آورم و عقل های فاقد تشخیص آنان را بصیر و آگاه می سازم. گرچه کار ساحران مانند کف ظاهری دریاست و مکرها و افسون های مهیب به کار می برند، اما ای موسی مترس که تو پیروزی. «شهیدی، ۱۳۷۴، ج. دهم: ۹۶»

اما اگر مؤمنان با دست خویش، کاری انجام دهند که عزت خویش را از بین ببرند، پیامد آن متوجه خود آنان است. به تعبیر دیگر، اراده خداوند نسبت به عدم تسلط کافران بر مؤمنان و عزتمندی مؤمنان، مطلق و بی قید و شرط نیست، بلکه مقید به انجام وظیفه از سوی مؤمنان و مسلمانان است؛ چرا که یکی از سنت های خداوند این است که:

إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ (رعد: ۱۱)؛ «خداوند سرنوشت هیچ قومی را تغییر نمی دهد، مگر آنکه آنان آنچه را در خودشان است، تغییر دهند» (انصاریان، ۱۳۹۱: ۲۵۰)

بنابراین از ناحیه خداوند سلطه ای برای کفار بر مسلمین قرار داده نشده است و خداوند تسلط بیگانگان بر مسلمین را نخواست است، اما تحقق این امر در گرو عمل مسلمانان و رفتار آنان و

انجام وظایف و مقاومت در برابر زورگویی های دشمنان دین است.

۴- ۲ - عزتمندی دین خدا

در روایات متعدد به نقل از معصومین علیهم السلام رغبت به عزتمندی دین مبین اسلام بیان شده است:

إِنَّا نَرْعَبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةِ كَرِيمَةٍ: تُعِزُّ بِهَا الْأَسْلَامَ وَأَهْلَهُ، وَتُنْزِلُ بِهَا النِّفَاقَ وَأَهْلَهُ، وَتَجْعَلُنَا فِيهَا مِنْ الدُّعَاءِ إِلَى طَاعَتِكَ، وَالْقَادَةَ إِلَى سَبِيلِكَ، وَتَرْزُقُنَا بِهَا كَرَامَةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. (مفاتیح الجنان دعای افتتاح)؛ «بار پروردگارا! ما جمیع گروه شیعیان، با تضرع و ابتهال به درگاه تو از سوی دای دل خواهانیم که: دوره ای پسندیده پیش آوری که در آن دوران، اسلام و یاورانش را سربلند فرموده، نفاق و پیروانش را ذلیل و خوار گردانی! و ما را در آن دولت، از زمره خوانندگان مردم به سوی اطاعت خود و از راهبران به سوی راه خود قرار دهی! و بدان وسیله بزرگواری دنیا و آخرت را نصیب ما گردانی!»

به استناد آیات متعدد در قرآن نقطه مقابلی هم برای این نظریه هست؛ گروهی از معاندین در تلاش اند که وعده های خدا محقق نشود:

يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ (صف: ۸)؛ «می خواهند نور خدا را با دهان هایشان [که پُر از یاوه گویی و حرف پوچ است] خاموش کنند، درحالی که خداوند کامل کننده نور خود است؛ گرچه کافران خوش نداشته باشند» (انصاریان، ۱۳۹۱: ۵۵۲)

تحقق عزتمندی دین خدا در سایه جهاد و مقابله با گمراهان به دست می آید. مقاومت در برابر کسانی که از روی عناد و لجابت به دنبال ضعیف کردن مبانی دینی هستند، یک امر واجب و عقلایی است.

اشعار زیر در حقیقت تمثیلی است از مقایسه دو سبک زندگی که یکی عزت و سربلندی را برگزیده و دیگری زشتی و ذلت که به خوبی در جهان امروز و به خصوص در کشورهای همسایه، قابل رؤیت است:

چو از او دور شد ایام شباب	گشت غمناک دل و جان عقاب
آفتابش به لب بام رسید	دید کش دور به انجام رسید
گشت بر باد سبک سیر سوار	صبحگاهی ز پی چاره کار
زاغکی زشت و بد اندام و پلشت	آشیان داشت در آن دامن دشت
ز آسمان سوی زمین شد به شتاب	بر سر شاخ ورا دید عقاب
با تو امروز مرا کار افتاد	گفت که ای دیده ز ما بس بیداد
بکنم آنچه تو می فرمایی	مشکلی دارم اگر بگشایی
تا که هستیم هوا خواه توایم	گفت: ما بنده درگاه توایم
جان به راه تو سپارم، جان چیست؟	بنده آماده بود فرمان چیست؟
که مرا عمر حبایی است بر آب	زار و افسرده چنین گفت عقاب
مرگ می آید و تدبیری نیست	ار چه از عمر دل سیری نیست
عمرم از چیست بدین حد کوتاه؟	من و این شهپر و این شوکت و جاه
عهد کن تا سخنم بپذیری	زاغ گفت: گر تو در این تدبیری
دیگران را چه گنه کاین ز شماست	عمرتان گر که پذیرد کم و کاست
آخر از این همه پرواز چه سود؟	ز آسمان هیچ نیاید فرود
کز بلندی رخ بر تافته ایم	ما از آن سال بسی یافته ایم
عمر بسیارش از آن گشته نصیب	زاغ را میل کند دل به نشیب
عمر مردارخوران بسیار است	دیگر این خاصیت مردار است

گند و مردار بهین درمان است	چاره رنج تو زان آسان است
خیز و زین بیش ره چرخ مپوی	طعمه خویش بر افلاک مجوی
خوان گسترده الوانی هست	خوردنی های فراوانی هست
آنچه زان زاغ ورا داد سراغ	گند زاری بود اندر پس باغ
بوی بد رفته از آن تا ره دور	معدن پشه، مقام زنبور
نفرتش گشته بلای دل و جان	سوزش و کوری دو دیده از آن
آن دو همراه رسیدند از راه	زاغ بر سفره خود کرد نگاه
گفت: خوانی که چنین الوان است	لایق حضرت این مهمان است
می‌کنم شکر که درویش نیم	خیج از ما حضر خویش نیم
گفت و بنشست و بخورد از آن گند	تا بیاموزد ازو مهمان پند
عمر در اوج فلک برده به سر	دم زده در نفس باد سحر
بارها آمده شادان سف	به رهش بسته فلک طاق ظفر
سینه کبک و تذرو و تیهو	تازه و گرم شده طعمه او
اینک افتاده بر این لاشه و گند	باید از زاغ بیاموزد پند؟
بوی گندش دل و جان تافته بود	حال بیماری دق یافته بود
گیج شد، بست دمی دیده <sup>۱</sup> خویش	دلش از نفرت و بیزاری ریش
یادش آمد که بر آن اوج سپهر	هست پیروزی و زیبایی و مهر
دیده بگشود و به هر سو نگریست	دید گردش اثری زین‌ها نیست
آنچه بود از همه سو خواری بود	وحشت و نفرت و بیزاری بود



بال بر هم زد و برجست ز جا  
گفت: کای یار ببخشای مرا

سال‌ها باش و بدین عیش بناز  
تو و مردار تو و عمر دراز

من نیم در خور این مهمانی  
گند و مردار تو را ارزانی

گر بر اوج فلکم باید مرد  
عمر در گند به سر نتوان برد

(خانلری، ۱۳۶۲: ۱۹۶)

#### ۴-۳- پراکنده کردن دشمنان

دشمنان دین پیوسته در صدد بر هم زدن اجتماع مسلمین و ایجاد تفرقه بین آن‌ها هستند؛ چون اتحاد و یکپارچگی مؤمنان را مانعی بر سر راه خود می‌دانند.

در کلام بزرگان ما این نکته پیوسته بیان شده که پراکندگی دشمنان دین برای ممانعت از هدف شوم آن‌ها یک راه حل سیاسی است که باید به آن توجه نمود.  
امام سجاده در صحیفه سجادیه از خداوند این‌گونه می‌خواهد:

«اللَّهُمَّ اشْغَلِ الْمُشْرِكِينَ بِالْمُشْرِكِينَ عَنْ تَنَاوُلِ أَطْرَافِ الْمُسْلِمِينَ، وَ خُذْهُمْ بِالنَّقْصِ عَنِ تَقْصِيهِمْ، وَ تَبَطِّئْهُمْ بِالْفُرْقَةِ.»

«خداوندا، مشرکان را چنان به یکدیگر مشغول ساز تا از دستبرد به مرزهای مسلمانان بازمانند و با کاستن عدویشان، از کاستن مسلمین بازدار و رشتۀ اتحادشان را با تفرقه بر هم زن تا از هم‌دستی علیه مسلمانان بازمانند.»

(صحیفه سجادیه، ۱۳۹۱: ۲۴)

در قرآن کریم زمانی که حضرت نوح از هدایت قوم ناامید می‌شود این‌گونه دست به دعا بر

می‌دارد:

رَبِّ لَا تَذَرْ عَلَيَّ الْأَرْضَ مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَّارًا إِنَّكَ إِن تَذَرَهُمْ يُضِلُّوا عِبَادَكَ وَلَا يَلِدُوا إِلَّا فَاجِرًا كَفَّارًا (نوح: ۲۶)؛ «پروردگارا، هیچ کس از کافران را بر روی زمین مگذار؛ زیرا اگر آنان را باقی گذاری، بندگان را گمراه می‌کنند و جز پلیدکار ناسپاس نزنند» (انصاریان، ۱۳۹۱: ۵۷۱)

حضرت موسی هم قوم لجوج و عنود بنی اسرائیل را این‌گونه نفرین می‌کند:

رَبَّنَا اطْمِسْ عَلَيَّ أَمْوَالِهِمْ وَاشْدُدْ عَلَيَّ قُلُوبَهُمْ فَلَا يُؤْمِنُوا حَتَّىٰ يَرَوْا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ (يونس: ۸۸) ای پروردگار ما، اموالشان را تباہ‌ساز و دلشان را سخت کن. ایمان نمی‌آورند تا آن‌گاه که عذاب دردآور را بنگرند.» (انصاریان، ۱۳۹۱: ۲۱۸)

«نصراله مردانی» دلاوری‌های مدافعان میهن را این‌گونه توصیف می‌کند:

ای یلان صف شکن، اسطوره شد ایثارتان      کوه آهن آب شد در عرصه پیکارتان  
گونه را در شط خون شوید رو در روی خصم      تا شود گلگون‌تر از روی شفق رخسارتان  
(مردانی، ۱۳۸۲: ۳۱)

۵- ضرورت مقاومت با توجه به آثار اجتماعی آن  
جهداگران راه خدا با حضور مقتدرانه خود در عرصه‌های جهادی و مقاومت در برابر ناهنجاری‌های اجتماعی، برکات و آثار مثبتی را به جامعه اهدا می‌کنند. وقتی که در جامعه‌ای تفکر مقاومت در برابر تجاوزگری حاکم شود، اثرات مثبت آن، جامعه را پویا و سرزنده نگه می‌دارد و از سستی و خمودی باز می‌دارد. بعضی از آثار مثبت اجتماعی مقاومت در برابر کج روی‌ها و ناهنجاری‌های جامعه به شرح ذیل عنوان می‌گردد:

۵- ۱ - عزت و سربلندی جامعه

کتاب الهی پر است از آیاتی که مؤمنین را به عزتمندی و زندگی شرافتمندانه دعوت می‌کند، قرآن کریم عزت و شرافت را در تبعیت از اوامر الهی می‌داند. پذیرش ظلم ظالمان و تسلیم‌شدن در برابر زورگویان جز ذلت و خواری چیزی به دنبال نخواهد داشت:

الَّذِينَ يَتَخَذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أُلِيتُوا مِنْهُمْ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا (نساء: ۱۳۹)؛ «هم آنان که غیر از مؤمنان کافران را دوستان [خود] می‌گیرند آیا سربلندی را نزد آنان می‌جویند [این خیالی خام است] چرا که عزت همه از آن خداست» (انصاریان، ۱۳۹۱: ۱۰۰)

برگزیدن راهی جز مقاومت در برابر کافران ذلت به بار خواهد آورد و عزت حقیقی در تمسک

به حبیل‌الله و حفظ وحدت و ثبات جامعه اسلامی است. در حقیقت تصور اینکه دوستی با کفار و تسلیم در برابر بخشی از خواسته‌های آن‌ها و نادیده انگاشتن بخشی از مبانی اسلامی ما را به عزت خواهد رساند، خیال خامی بیش نیست. «مکارم شیرازی، ۱۳۷۹: ۴۹۳»

قرآن کریم انسان را به عنوان اشرف مخلوقات معرفی می‌کند، در آیات متعدد از بشر خواسته شده تا از عزت‌نفس و کرامت خود حفاظت کند، ذلت و حقارت را نپذیرد، در برابر زورگویی سر تسلیم فرو نیاورد، ظلم به دیگران را تحمل نکند، در مواجهه با نابرابری‌ها سکوت نکند، برای رسیدن به جامعه آرمانی تلاش کند و با ایمان به آیات الهی به اطمینان قلبی برسد. قرآن مؤمنان مقاوم را برتری می‌دهد. بشارت خدا به کسانی است که در مسیر حق، سختی‌ها را به جان می‌پذیرند و به وعده‌های الهی ایمان دارند. باورهای دینی را در خود تقویت می‌کنند و به بشارت‌های رحمانی امیدوارند. خداوند متعال در این باره می‌فرماید:

وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (آل عمران: ۱۳۹)؛ «در انجام فرمان‌های خدا و پیامبر و در عرصه نبرد با دشمنان] سستی نکنید و [از پیشامدهای ناگوار و سختی‌ها] اندوهگین نشوید که شما اگر [از روی راستی و درستی] مؤمن باشید از همه برترید» (انصاریان، ۱۳۹۱: ۶۷)

پروین اعتصامی در قصیده‌ای این‌گونه می‌گوید:

برای خاطر بیچارگان نیاسودن	شنیده‌اید که آسایش بزرگان چیست
مقیم گشتن و دامان خود نیالودن	به کاخ دهر که آرایش است بنیادش
هماره بر صفت و خوی نیک افزودن	همی ز عادت و کردار زشت کم کردن
برای خدمت تن، روح را نفرسودن	ز بهر بیهده، از راستی بری نشدن
ز خود نرفتن و پیمان‌های نپیمودن	برون شدن ز خرابات زندگی، هشیار
دری که فتنه‌اش اندر پس است ننگشودن	رهی که گمرهیش در پی است نسپردن

(اعتصامی، ۱۳۸۴، ۲۴۶)

شرط تحقق وعده الهی ایمان است و مؤمن بودن سختی‌هایی دارد که باید تحمل نمود. رسیدن به برتری که خداوند وعده داده ساده نیست، اما امکان‌پذیر است. اراده خداوند بر این است که مؤمنان برتر باشند و رسیدن به این امر، مستلزم تلاش، کوشش و مقاومت در برابر سختی‌هاست:

(وَجَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَىٰ وَكَلِمَةَ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا، و شعار کافران را پست کرد و شعار خداست که برترین و والاترین است، خداوند توانای شکست ناپذیر و حکیم است) (توبه، ۴۰)

به استناد این آیه قطعاً مشیت الهی بر اراده کافران غالب است و خداوند ابزار این کارزار و

رسیدن به برتری را منوط به مقاومت و پایداری در برابر تفکرات غیر دینی کرده است؛ یعنی اینکه

بندگان خدا با استقامت و بردباری می‌توانند به جامعه آرمانی وعده داده شده خدا برسند. در این

کارزار سستی و کاهلی مانع رسیدن به هدف است و باید با شجاعت و استقامت، زمینه تحقق

و عده الهی را فراهم نمود:

فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلْمِ وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ وَاللَّهُ مَعَكُمْ (محمد: ۳۵)؛ «بنابراین [از نبرد با دشمن] سست نشوید و [با خفت، دشمنان را] به سازش دعوت نکنید؛ زیرا شما [از هر جهت] برترید و خداوند با شماست و او هرگز از [پاداش] اعمالتان نمی‌کاهد» (انصاریان، ۱۳۹۱: ۵۱۰)

نکته قابل تأمل در آیه این است که مذاکره خفت‌بار را به جای مبارزه عزتمندانه انتخاب نکنید. گفتگوی با دشمن باید در جایگاه اقتدار و عزتمندی باشد، نه پذیرش خفت بار، ایستادگی در برابر باطل، باعث سربلندی مجاهدان راه حق و افول منحرفان در جامعه می‌شود.

#### ۵-۲- نهادینه شدن اصل مقابله با ستمگران

از دیدگاه قرآن اساس مقاومت و دفاع در برابر کافران و دشمنان دین بر عهده خداوند متعال است؛ زیرا پر واضح است که از وظایف رهبر جامعه شناخت و تدبیر راه مقاومت و مقابله با دشمنان است. آن‌گونه که در قرآن آمده است: «خداوند، ولی و سرپرست کسانی است که ایمان آورده‌اند، آن‌ها را از ظلمت‌ها، به سوی نور بیرون می‌برد.»

اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ (بقره: ۲۵۷)؛ «خداوند ولی و رهبر جامعه ایمانی است و این وظیفه سنگین بر عهده اوست» (انصاریان، ۱۳۹۱: ۴۳)

درون سینه مجروح بینوا مخراش      بدان که روز جزا هست و با تو پردازد  
اگر بحل نکند سائل ستم‌دیده      جزا دهنده تو را در جهنم اندازد  
(خواجه عبدالله انصاری، ۱۳۸۲: ۲۴۶)

خداوند در جای دیگر می‌فرماید: قطعاً خداوند از کسانی که ایمان آورده‌اند دفاع می‌کند

(إِنَّ اللَّهَ يُدَافِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا) (حج: ۳۸)

این دفاع لازمه بقای مؤمنین بر ایمان است و اگر دفاع الهی از آن‌ها نباشد در بسیاری از موارد یاری مقاومت نخواهند داشت؛ و این دفاع همیشگی و مکرر است. خداوند متعال وظیفه دفاع و

مقاومت در برابر کفار را به مؤمنین واگذار می‌نماید و می‌فرماید: کسانی که مورد ظلم قرار

می‌گیرند باید به مقابله برخیزند هرچند خداوند بر هر چیز تواناست

أَذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلِمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ (حج: ۳۹)؛ «به کسانی که مورد جنگ و هجوم قرار می‌گیرند چون به آنها ستم شده، اذن جنگ داده شده، مسلماً خدا بر یاری دادن آنان توانا است» (انصاریان، ۱۳۹۱: ۳۳۶)

این اذن الهی به معنای اختیار نیست، بلکه امر به مقاومت است؛ زیرا در جای دیگر می‌فرماید: باید آن‌گونه که به تو امر شده است استقامت کنی.

فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (هود: ۱۱۲)؛ «این اذن در واقع گویای ضعف کافران در برابر خداوند متعال و همچنین توانمندی مؤمنین است». (طباطبایی، ۳۸۴) (انصاریان، ۱۳۹۱: ۲۳۴)

به طور قطع و یقین پایداری در برابر ناهنجاری‌های اجتماع، ظلم ظالمان، تجاوز متجاوزان و تعدی به مال و حیثیت افراد، نتایج اثربخشی را به دنبال دارد.

از دیدگاه قرآن هدف اصلی مقاومت ایجاد تعادل و توازن در جامعه بشری است. آموزه‌های دینی ما پیوسته امر به رفتار عادلانه، کمک به محرومان و دستگیری نیازمندان دارد و در این رهگذر ثمرات متعددی را بر می‌شمارد:

مقاومتی که مد نظر قرآن است مبتنی بر اندیشه صحیح و برنامه‌ریزی درست است. مقاومت

بدون این دو پیش‌فرض، پوچ و بی‌معنا یا نافرجام است. یکی از لوازم مهم اندیشه صحیح، «التفقه

فی الدین» است؛ یعنی برداشتی کامل و درست از دین داشته باشیم. گروه‌های انحرافی که در طول

تاریخ وجود داشته‌اند مانند: خوارج یا گروه‌های تکفیری، سلفی و داعش در روزگار ما و

...مقاومتشان مبتنی بر اندیشه درست الهی نیست، چون «تفقه» درستی از دین ندارند. از منظر

قرآن چنین تحرکاتی به دلیل عاری بودن از اندیشه زلال نه تنها مقاومت نیست، بلکه انحرافی

است که در نهایت محکوم به شکست است.

همچنین در یک جامعه قرآنی، انسان‌ها زمانی می‌توانند به جامعه سالم برسند که اهل مقاومت

باشند:

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ... (فصلت: ۳۰)؛ «در حقیقت، کسانی که گفتند: پروردگار ما خداست؛ سپس ایستادگی کردند، فرشتگان بر آنان فرود می‌آیند و می‌گویند: هان، بیم مدارید و غمین مباشید و به بهشتی که وعده یافته بودید شاد باشید.» (انصاریان، ۱۳۹۱: ۴۸۰)

در این آیه همه ابعاد زندگی اجتماعی انسان وجود دارد. امنیت جانی، امنیت روانی، رسیدن به بهشت الهی و همراهی خداوند در دنیا. پس آن چیزی که زمینه رشد درست انسانیت را فراهم و جامعه را سالم می‌کند، مقاومت مبتنی بر تفکر توحیدی و برنامه‌ریزی و مدیریت درست است.

در آیه ۷ سوره محمد نیز داریم:

إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ (محمد: ۷)؛ «اگر شما خداوند را یاری کنید، خداوند نیز شما را یاری می‌کند.» (انصاریان، ۱۳۹۱: ۵۰۷) یعنی بعد از مقاومت، یاری خدا شامل مؤمنان می‌شود. پس راه رسیدن به بهشت و امدادهای الهی در این دنیا نیز مقاومت است و بدون مقاومت، خداوند امدادهای خودش را نمی‌فرستد. در عرصه جهاد با دشمن نیز خداوند قدرت صابران با ایمان را ده برابر دیگران انگاشته و تکلیف مؤمنان را با جمعیتی معادل ده درصد دشمن معین نموده است.

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ (انفال: ۶۵)؛ «هرگاه بیست نفر با استقامت از شما باشند، بر ۲۰۰ نفر غلبه می‌کنند؛ و اگر صد نفر باشند، بر هزار نفر از کسانی که کافر شدند، پیروز می‌گردند؛ چرا که آن‌ها گروهی هستند که نمی‌فهمند.» (انصاریان، ۱۳۹۱: ۱۸۵)

در این برهه زمانی که ما در آن زندگی می‌کنیم دو حادثه بسیار بزرگ در جهان اسلام روی داد

که این وقایع نمونه‌ی بارز مقاومت بودند. اول جنگ تحمیلی که تمامی استکبار در مقابل ملت

مظلوم ایران قرار گرفت و دیگری، رویارویی جبهه مقاومت در برابر صهیونیست‌هاست که نشان داد خداوند چطور به وعده‌ی خودش عمل می‌کند.

همچنین، قرآن سرنوشت کسانی را که مقاومت نکردند این‌گونه توضیح می‌دهد:

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَهُمْ أُلُوفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ فَقَالَ لَهُمُ اللَّهُ مُوتُوا... (یقره: ۲۴۳)؛ «اینان از دیار خودشان به خاطر ترس از مرگ خارج شدند و خداوند به آن‌ها گفت تن به مرگ بسپارید.» (انصاریان، ۱۳۹۱: ۳۹)

اگر فرد یا گروهی مقاومت از خود نشان ندهند، به این معنی است که به بردگی دیگران رضایت داده است. بندگی غیر خدا یعنی نابودی و شکست. نتیجه‌ی سستی، تبلی و خمودگی، چه در زندگی شخصی، چه در محیط اجتماعی و چه در عرصه سیاست و بین‌الملل جز نابودی نیست. رهبر معظم انقلاب نیز در این باره می‌فرمایند:

«اگر در دنیا قوی نباشیم به ما زور می‌گویند» این برگرفته از همین فرهنگ قرآنی است.

ایرج میرزا از شعرای معاصر، ابیات زیبایی در این باره سروده است:

قصه شنیدم که بوالعلا به همه عمر	لحم نخورد و ذوات لحم نیازد
در مرض موت با اجازه دستور	خادم او جوجه‌ها به محضر او برد
خواجه چو آن طیر کشته دید برابر	اشک تحسّر ز هر دو دیده بیفشرد
گفت چرا ماکیان شدی نشدی شیر	تا نتواند گسّت به خون کشد و خورد
مرگ برای ضعیف امر طبیعی است	هر قوی اول ضعیف گشت و سپس مرد

(ایرج میرزا، ۱۳۸۷: ۲۷۳)



۵ - ۳ - گسترش عدالت

خداوند، عدالت را تنها در سایه‌سار نفی ظلم و ستمگری می‌داند و هرگونه گرایش ولو اندک به ظلم را قبیح می‌شمارد و از آن نهی می‌کند. این بدان معناست که شخص نه تنها خود نباید اهل ظلم و ستم باشد، بلکه حتی نباید گرایش به ستمگران و ظالمان داشته باشد. از این رو می‌فرماید:

وَلَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَمَا تَمَسَّكُمْ النَّارُ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصِرُونَ (هود: ۱۱۳)؛ «و به کسانی که ستم کرده‌اند متمایل مشوید که آتش دوزخ به شما می‌رسد و در برابر خدا برای شما دوستانی نخواهد بود و سرانجام یاری نخواهید شد» (انصاریان، ۱۳۹۱: ۲۳۴)

شیخ مصلح الدین سعدی شیرازی از عبرت‌های زمانه این‌گونه می‌گوید:

خبرداری از خسروان عجم  
نه آن شوکت و پادشاهی بماند  
که کردند بر زیردستان ستم؟  
نه آن ظلم بر روستایی بماند  
خطا بین که بر دست ظالم برفت  
جهان ماند و او با مظالم برفت

(سعدی، ۱۳۷۶: ۲۴۵)

بنابراین، اگر چه گرایش به ظالم اندک آن هم حرام است و خداوند به ظالم وعدهٔ آتش دوزخ را می‌دهد، پس هرگونه همکاری با ظالم، وضعیت بدتری دارد و خشم و انتقام الهی را نسبت به چنین همکاری تشدید می‌کند. این سخت‌گیری تا آنجایی است که مراعات عدالت را حتی نسبت به دشمنان لازم می‌داند و می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نُ قَوْمٍ عَلَىٰ آلَا تَعْدِلُوا اغْدِلُوا هَوْ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ (مائده: ۸)؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، برای خدا به دادگری برخیزید و به عدالت شهادت دهید و البته نباید دشمنی گروهی شما را بر آن دارد که عدالت نکنید. عدالت کنید که آن به تقوا نزدیک‌تر است و از خدا پروا دارید که خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است» (انصاریان، ۱۳۹۱: ۱۰۸)

بر اساس آموزه‌های الهی، انسان‌ها همان‌گونه که باید عدالت‌خواه و ستم‌ستیز باشند، باید در مقابل ظلم به دیگران هم ساکت و آرام ننشینند؛ و به کمک ستم دیده بشتابند و به مقابله با ظالم برخیزند. ستم‌ستیزی به عنوان امری واجب بر همه‌ی افراد جامعه است. هیچ کس نمی‌تواند به بهانه‌های مختلف از رویارویی با بیداد دوری کند؛ چرا که ستم‌پذیری، خود گناهی نابخشودنی است.

مکن بد که بینی به فرجام بد	ز بد گردد اندر جهان نام بد
نگیرد ترا دست جز نیکویی	گر از مرد دانا سخن بشنوی
هر آن‌کس که اندیشه‌ای بد کند	به فرجام بد با تن خود کند
و گر بد کنی جز بدی ندروی	شبی در جهان شادمان نغنوی
جهان را نباید سپردن به بد	که بر بدکنش بی‌گمان بد رسد

(فردوسی، ۱۳۸۴: ۳۷۵)

مظلوم باید در برابر ظلم و ستم بایستد و تن به ظلم و پذیرش آن ندهد. از این رو بر اساس آموزه‌های قرآنی و اسلامی مظلوم می‌بایست انسان ستم‌ستیز، بلکه ستم سوز باشد تا با مبارزه خود ریشه ستم و ستمگری را بسوزاند و از میان بردارد. مقاومت در برابر ظالمان از اصول اولیه دین اسلام است و لذا باید در هر شرایطی در برابر زیاده‌خواهی دشمنان دین ایستادگی کرد، چنانکه امام حسین (ع) و یاران مظلوم وی در کربلا علیه ظلم و ستم قیام کردند و ریشه‌های ظلم و ستم اموی را سوزاندند و ستم‌ستیزی و ستم‌سوزی را نه تنها در جامعه اسلامی، بلکه در همه جوامع انسانی به عنوان یک درس بزرگ برای انسان‌های آزاده نهادینه کردند.

اینکه اجر ایشان را با وصف به غیر حساب آورده است نشان از تفضل ویژه الهی به صابریین

است. (فخرالدین رازی، ص ۴۳۱)

### ۳- نتیجه

از آنچه بیان شد به این مطلب می‌رسیم که مقاومت از ضروریات زندگی بشری در عصر حاضر و همه دوران‌هاست و انفعال، وادادگی و ترس در برابر دشمنان با آموزه‌های دینی هم‌خوانی ندارد. استقامت و پایداری در مسیر هدف، صبر، بردباری و نهایتاً مقاومت نویدبخش سعادت جاودانه است که همواره مورد تأکید قرآن و روایات دینی ما بوده است؛ و در آثار شاعران و نویسندگان با عنوان ادبیات پایداری به خوبی آشکار است. اساس آموزه‌های دینی ما بر ظلم‌ستیزی استوار گشته و در این راه بشارت‌های خداوند و وعده‌های نصرت او آرامش‌بخش قلوب مؤمنان است. مقاومت از دیدگاه قرآن، برگرفته از یک معنای ایمانی و شرعی به نام «جهاد» است که شامل مقاومت در برابر امیال نفسانی، طغیانگری‌ها، خرافه‌ها، تجاوزگری‌ها و اشتغال‌گری‌ها می‌شود. شاید برخی بر این باورند که مقاومت تنها در عرصه جنگ رخ می‌نماید، اما در حقیقت این جزئی از مفهوم مقاومت است. مصداق‌های مقاومت در قرآن، مشوق بندگان خاص خداست که با الهام‌گیری از اهداف آن آیات، پای در مسیر سعادت دنیوی و اخروی می‌نهند. در همه ابعاد آموزه‌های دینی ما پذیرش ذلت و زندگی توأم با حقارت مذمت شده و انسان‌ها از دیدگاه الهی سرنوشت خود را رقم می‌زنند که البته در این مسیر، الطاف الهی هم شامل آن‌ها خواهد شد. در حقیقت اگر اراده تغییر در ملتی به وجود آید، دگرگونی، عزت و شرف را برای آنان به دنبال خواهد داشت، خداوند نیز آنان را یاری خواهد داد. در حقیقت ادبیات مقاومت، تجلی رویارویی حق و باطل و نور و ظلمت است.

منابع

کتاب‌ها

قرآن کریم، به خط عثمان طه، (۱۳۸۰)، تهران: نشر سمیر.

نهج‌البلاغه، ترجمه سیدعلی موسوی‌گرمارودی (۱۳۹۴)، تهران: قدیانی.

صحیفه سجادیه، (۱۳۹۳)، به کوشش و ویرایش کاظم عابدینی‌مطلق، تهران: آفرینه.

مفاتیح الجنان، (۱۳۸۱)، تالیف عباس قمی؛ مترجم موسوی دامغانی؛ مصحح متن: حسین استادولی، تهران: وصال اندیش.

اعتصامی، رخشنده (پروین)، (۱۳۸۴)، دیوان، تهران: انتشارات قائم.

امین پور قیصر، (۱۳۷۲)، در کوچه آفتاب، تهران: انتشارات رازی.

انصاری، خواجه عبدالله، (۱۳۸۲)، کنز السالکین، قم: آرمان.

انصاریان، حسین، (۱۳۹۱)، ترجمه قرآن کریم، تهران: رهروان حسینی.

ایرج میرزا، ۱۳۸۷، دیوان اشعار، تهران: نشر اندیشه.

بهار، محمدتقی (ملک الشعراء)، (۱۳۳۳)، شعر در ایران، تهران: بنگاه مطبوعاتی گوتنبرگ.

حسینی، سید علی، (۱۳۷۷)، دیوان، تهران: انتشارات حوزه هنری.

خانلری، پرویز، (۱۳۶۲)، ماه در محراب، تهران: انتشارات سمت.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۶ ق/ ۱۹۹۶ م)، مفردات الفاظ قرآن، تحقیق: صفوان عدنان

داوودی، دمشق: دارالقلم: بیروت: الدار الشامیه.

رودکی، جعفر بن محمد، (۱۳۴۹)، دیوان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

ساوچی، سلمان، (۷۰۹)، دیوان اشعار، تهران: انتشارات شمس.

سپهری، سهراب، (۱۳۴۶)، حجم سبز، تهران: انتشارات روزن.

\_\_\_\_\_ (۱۳۵۶)، هشت کتاب، تهران: انتشارات فروزان روز.

شهیدی، جعفر، ۱۳۷۴، شرح مثنوی، جلد دهم، انتشارات چشمه.

سعدی، شیخ مصلح الدین، (۱۳۷۶). بوستان. محل نشر: سمت.

صالحی، سید علی، (۱۳۷۴)، مجموعه اشعار، تهران: انتشارات نگاه.

طباطبایی، محمدحسین، (۱۴۱۷ ق)، المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم.

فروغی بسطامی، عباس، (۱۳۹۴)، دیوان اشعار، تهران: انتشارات فرهنگ دانشجو.

فردوسی، ابوالقاسم، (۱۳۸۴)، شاهنامه، تهران: سمت.

فیروزی، علیرضا، (۱۳۷۱)، مجموعه اشعار، تهران: انتشارات سیمین.

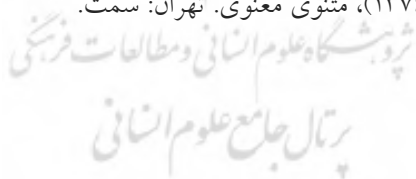
محمدی ری‌شهری، محمد، (۱۳۷۷)، میزان الحکمه همراه با ترجمه فارسی، قم: موسسه علمی فرهنگی دارالحديث، سازمان چاپ و نشر.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۹ ش)، الامثل فی تفسیر کتاب الله المنزل. قم: مدرسه الامام علی بن ابیطالب (ع).

مجلسی، محمدباقر (۱۱۱۰)، بحار الانوار. قم: شرق.

مردانی، نصرالله (۱۳۸۲)، گل باغ آشنایی. تهران: جهد.

مولوی جلال الدین محمد (۱۳۷۴)، مثنوی معنوی. تهران: سمت.



#### مقاله‌ها

رستمی کیا، عباسعلی (۱۳۸۹ ش)، مبانی نظری دفاع مقدس در قرآن کریم. مجله ادبیات پایداری، شماره ۲، دانشکده ادبیات و علوم انسانی. کرمان: شماره ۲، صفحه ۴۷، دانشگاه کرمان  
میرحسینی، سید محمد (۱۳۹۰)، استقامت و پایداری در قرآن، فصل‌نامه ادبیات پایداری، سال دوم، شماره چهارم.